



## مقام معظم رهبری :

● بحث عدالت اجتماعی مرتبه اول آرمانهای ماست و مسئله توزیع عادلانه درآمد، کم کردن فاصله بین طبقات جامعه و نیز فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای همه باید به عنوان شاخص‌های عدالت اجتماعی در برنامه‌های کلان کشور مورد توجه جدی قرار گیرد.

## توسعه اقتصادی کشور، بدون استقرار قسط و عدالت اجتماعی و تثبیت ارزشهای انقلابی و دینی بی‌معناست

مداری شخصی، نسبتاً عوارض گسترده‌ای را در جامعه انقلابی برجای گذاشت. همچنین تشدید قطب بندی جامعه، تشدید فرهنگ و روحیه مصرف‌گرایی مسرفانه، پیدایش سرمایه‌داران بی‌هویت و به تبع آن، گسترش مفاسد فرهنگی-اجتماعی در جامعه انقلابی، طبقه‌بندی نظام آموزشی کشور و به تبع آن قطب‌بندی اجتماعی جامعه در آینده، متأثر کردن افکار عمومی با قدرت پول قطبهای سرمایه و طمع نمودن آنها برای اشغال مراکز قدرت سیاسی در کشور و ... جای تأمل دارد.

لذا آنچه این روزها به راحتی مشهود است، بروز نعارض بین ارزشهای انقلابی و دینی با تحولات اجتماعی، اقتصادی کشور است، که نگرانی دلسوختگان و علاقه‌مندان به سرنوشت آتی جمهوری اسلامی را برانگیخته است.

در مواجهه با چنین وضعیتی و تقلیل صایعات ناشی از آن، رهنمودهای حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مدیران و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، باید بیشترین توجه اندیشمندان و سیاستگذاران را به خود معطوف سازد. تبیین آرمانهای انقلاب اسلامی، تبیین شاخصهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متناسب با آرمانها و تلاش برای قانونی و نهادینه ساختن آنها، شرایط را برای طراحی افق روشن برای ایران اسلامی و فراهم کردن عرصه برای تلاش فکری همهٔ علما و صاحب‌نظران منعهد، مساعد خواهد کرد که با تکیه بر دستاوردهای رشته‌های مختلف علمی، برای یافتن راهبردهای عملی و تحقق آن تلاش نمایند.

و من الله التوفیق

سر دبیر

طبیعی است، ایران اسلامی که مصمم به بنیان نهادن جامعه‌ای با معیارهای خاص و نوین است، برای طی کردن این راه برفراز و نشیب، به ویژه این که فشار قدرتهای سلطه‌گر نیز، مشکلات بی‌موردن راه را مضاعف می‌نماید، نمی‌تواند در جریان سازندگی کشور، تاسی به الگوی توسعه دنیای صنعتی را که با محوریت توسعه اقتصادی و تنظیم تمام جریان‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهت توسعه اقتصادی سازمان یافته است، به عنوان مبنای خود انتخاب کند. توسعه‌ای که سود پرستی را موتور محرکه رشد اقتصادی و همسو کردن مجموعه نظامهای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی را با توسعه اقتصادی که شاخصهای عمده آن تأمین فراغت هرچه بیشتر، تلقی منفی از کار، مصرف روزافزون هماهنگ با گرایش حیوانی و بدون حد و مرز و ... می‌داند و در نهایت، پول را مظهر همه قدرتها، قطعاً نمی‌تواند، مبنای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد.

در سالهای پس از دفاع مقدس و توقف جنگ تحمیلی ۸ ساله، که امکان بازسازی کشور و سازندگی ارکان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه فراهم آمده است، کم و بیش گرایش کارشناسان تصمیم‌ساز کشور به ترجیح توسعه اقتصادی در جریان سازندگی صورت عمل پوشید، اگر چه چشم‌پوشی از دستاوردهای این دوران در ایجاد و احداث پروژه‌های بزرگ و زیربنایی، سازماندهی نیروهای فنی-اجرایی، ایجاد تواناییهای تکنولوژیکی و رهایی کشور در بسیاری از زمینه‌ها از وابستگی به خارج کمال بی‌انصافی خواهد بود؛ لیکن، کم توجهی به مسائل انسانی، از قبیل: استقرار قسط و عدالت اجتماعی، تثبیت ارزشهای انقلابی و دینی و ... به دلیل عارض شدن پدیدهٔ سود پرستی (نه سود طلبی) و منفعت

قریب به دو دهه است، کشور مسیری برفراز و نشیب، برای گذر از مرحله وابستگی به جهان غرب و حرکت به سوی افق نو از استقلال، آزادی و پایه‌گذاری تمدن اسلامی را طی نموده است. به دلیل عدم وجود تجربه مشابه در تاریخ معاصر، با خوشبختی و ناخوشبختی جدی - که هر طالب تحول، به ویژه اگر ارادهٔ بیستازی نیز داشته باشد، با آن روبرو می‌شود. - مواجه شده است. شاید عمده‌ترین تمایز انقلاب اسلامی، در مقایسه با سایر انقلابها و نهضت‌های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی که در دهه‌های گذشته رخ داد، ادعای دانه‌گذاری تمدن اسلامی در مقابل تمدن غالب جهان امروز بوده است. طی سه قرن گذشته، غلبه تمدن غرب با برخی ابعاد و مظاهر آن بر کشورهای دنیا در حدی رسه دوانیده بود که اعراض نسبت به آن به ویژه در ابعاد اقتصادی امری ناممکن به نظر می‌رسید. تجربه کشورهایی که در دهه‌های گذشته، آهنگ جدایی از کشورهای صنعتی و رهایی از وابستگی به کشورهای استعمارگر نمودند، چنین نشان می‌دهد که مجدداً برای حفظ سوان اقتصادی؛ سیاستگذاری و مدیریت کشورشان را به تکنوکراتها سپرده‌اند. واضح است که آنان با اعتقاد به الگوی توسعه اقتصادی غرب، در زمانی نه چندان طولانی، شرایط را برای محور ارزشهای انقلابی از صحنه جامعه و وابستگی مجدد به کشور متروبل فراهم نمودند.